



مهر امام ریشه در جان مردم پاکستان دارد...

«شهید عارف حسینی و انقلاب اسلامی» در گفت و شنود شاهد یاران با
حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان

• درآمد



تأثیر انقلاب اسلامی ایران در پاکستان و نقش برجسته شهید عارف حسینی در گسترش مرجعیت امام در آن دیار و آشنائی مردم پاکستان با خط امام و انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که هنوز پس از سال‌ها آثار آن پابرجاست و در راه پیمائی‌های روز قدس به‌خوبی جلوه‌گر می‌شود. در گفتگوی حاضر، نماینده محترم ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران، به زمینه‌های مرجعیت امام در آن سامان و نقش و تلاش‌های پرثمر شهید در این راستا اشاره کرده‌اند.

چگونه با شهید علامه سید عارف حسینی آشنا شدید و دوری شما در مورد ویژگی‌ها و کارنامه عملی ایشان چیست؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. بنده به تناسب مسئولیتی که در دفتر امام داشتم، طبعاً عموم روحانیون طرفدار حضرت امام را در کشورهای مختلف می‌شناختم و احیاناً از طریق مکاتباتی که برای حضرت امام داشتم، استفتائاتی که داشتند یا جوهاتی که می‌فرستادند، به طرق مختلف با عموم این افراد در سراسر کشورهای اسلامی مرتبط بودم. از جمله برجسته‌ترین این شخصیت‌ها مرحوم شهید سید عارف حسینی بودند که از طرف حضرت امام و کالت داشتند و دارای نقش بسیار مثبت و انقلابی و محبوبیت فوق‌العاده‌ای در میان مردم پاکستان بودند. در آن مدت، ایشان به مناسبت‌های مختلف سفرهایی به ایران داشتند و طی این سفرها، ما موفق به زیارت ایشان می‌شدیم. این ملاقات‌ها، هم در دفتر حضرت امام و هم در مراسم مختلف صورت می‌گرفت. شاید آخرین بار ایشان را هنگامی که برای شرکت در کنگره ائمه جمعه آمده بودند، در هتل محل اقامتشان دیدیم. گهگاه که توفیق حاصل می‌شد تا از نزدیک ایشان را زیارت کنیم، تلقی‌ای را که از دور درباره ایشان داشتم، از نزدیک هم مشاهده می‌کردیم و صلابت و روحیه بسیار باتشاط و انقلابی و شجاعانه ایشان را در ارتباط با خط امام و اسلام ناب و انقلاب اسلامی درمی‌یافتیم. مدت زیادی هم طول نکشید که دشمن وجود چنین عنصر پرتحرک و تأثیرگذاری را در صحنه پاکستان نتوانست تحمل کند و ایشان را به شهادت رساند.

بعد از شهادت ایشان شاهد بودیم که حضرت امام پیامی را دادند که از پیام‌های کم‌نظیر ایشان در مورد شهادت بین‌الملل و جهان اسلام بود و خود همین نشانه این بود که انقلاب اسلامی، مرز جغرافیایی ندارد و گام زدن در راه حق، محدود به مرزهای جغرافیایی و دست‌ساز بشر نیست. به هر حال اظهار علاقه‌ای که حضرت امام نسبت به ایشان کردند، باز مبین عظمت شخصیت مرحوم شهید عارف حسینی بود.

مردم پاکستان معمولاً از علمای نجف تقلید می‌کردند. مرحوم شهید عارف حسینی مروج مرجعیت امام در پاکستان بودند که آثار مبارکی را هم به باور آورد. پیشینه آشنائی ایشان با امام از چه زمان بود و با توجه به اینکه شما در دفتر امام بودید، عمق علاقه مردم پاکستان به امام و رغبت به تقلید از ایشان چقدر بود و شهید در گسترش و تقویت این مسئله چقدر نقش داشتند؟

مسئله مرجعیت به همین شکل بود که اشاره کردید، یعنی به صورت سنتی، جز ایران که مخصوصاً از زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی تمرکزش روی مرجعیت قم بود، جهان تشیع بیشتر روی نجف اشرف تمرکز داشت. با مهاجرت یا تبعید امام به نجف اشرف و حضور ایشان در آنجا و بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله حکیم، دشمن توطئه‌ای را در پیش گرفته

و مشخصاً حضرت امام رضاع (ع) عشق و علاقه عمیقی دارند. آثار فرهنگ ایرانی به صورت عمیق همچنان در پاکستان حضور دارد، یعنی همه مساجد و ابنیه تاریخی و مذهبی و همه بناهای معظم شبه قاره آمیخته با جنبه‌هایی از فرهنگ و معماری ایرانی و مزین به خط نستعلیق و فارسی است و معمولاً اثری از لغت اردو در پیشینه پاکستان مشاهده نمی‌کنیم. آثاری که مربوط به حدود ۱۰۰ سال به آن طرف هست، عمدتاً یا فارسی یا عربی است و یا قرآن و حدیث است که به صورت عربی نوشته شده و یا فارسی است. اشعار شعری بزرگ ایران را هم نوشته‌اند که به فارسی است.

زمینه‌های فرهنگی و پیوند عاطفی عمیق بین مردم پاکستان و ایران، به علاوه علقه‌ای که اکثریت بریلوی اهل سنت نسبت به ائمه اطهار (ع) دارند، طبعاً زمینه‌ای بود که حتی در میان اهل سنت پاکستان هم گرایش و علاقه عمیق و گسترده‌ای نسبت به انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و شخص حضرت امام و سپس مقام معظم رهبری در آنجا شکل بگیرد. رهبران پاکستان و روسای جمهور دهه‌های اخیر هر کدام به‌نحوی بود شکل بسیار آشکاری نسبت به ایران موضع‌گیری مثبت کردند که البته این هم به علت گرایش عمومی ملت پاکستان به ایران بود.

شما پس از شهادت شهید عارف حسینی سفری به پاکستان داشتید. از مشاهدات خود و تأثیر رهبری ایشان در پاکستان چه خاطراتی دارید؟

یک خاطره من راجع به خانواده ایشان است که خانواده‌ای معصوم، مظلوم و ساده‌زیست و واقعا جلوه‌ای از شخصیت بسیار بالای معنوی شهید عارف حسینی بودند که به‌رغم منزلت بسیار بالای سیاسی و فرهنگی، ذره‌ای از نوع زندگی خود تغییر نداده بودند، خانواده ایشان همچنان در منزلی محقر و در شرایط بسیار سخت و ساده‌ای زندگی می‌کردند. ایشان فرزندان بسیار خوبی هم دارند که چه از نظر صورت، چه از نظر سیرت بسیار شبیه پدرشان هستند، مخصوصاً فرزند دوم ایشان که متأسفانه اخیراً در درگیری‌های پاکستان، در سفری که به آنجا داشت، یک پایش را از دست داد و به جانبازی نائل شد. خانواده شهید عارف حسینی، خانواده مؤمن و نورانی و ایثارگری است.

به برکت وجود مرحوم شهید عارف حسینی، به‌رغم کوتاهی دوران رهبری ایشان، مراکز علمی و فرهنگی بسیاری در پاکستان شکل گرفته است، از جمله مدرسه علمیه و مرکزی که ایشان در شهر پشاور تاسیس کرده که در آن زمان یکی از پایگاه‌های مهم تعلیم و تعلم فرهنگ اسلامی و قرآنی محسوب می‌شد. مزار ایشان مزار عارفان و عاشقان هست و همچنان نام و آثار ایشان در دل و جان و صحنه زندگی مردم پاکستان زنده است. حقیقتاً شهیدی است که الان زنده‌تر از بسیاری از زنده‌ها حضور دارد و نقش آفرینی می‌کند. ■

بود و می‌خواست در نجف، امام را تحت‌الشعاع مراجع دیگر قرار دهد و لذا شروع به ترور شخصیت حضرت امام کرد، اما از آنجا که: «مکروا و مکسرالله والله خیر الماکرین»، همان توطئه دشمن باعث شد که بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله حکیم، دایره مرجعیت امام از مرزهای ایران فراتر برود و جهان اسلام و جهان تشیع را در نوردد، لذا پس از فوت مرحوم آقای حکیم، با تلاشی که شاگردان حضرت امام در نجف کردند و از همه مهم‌تر تلاش مرحوم شیخ نصرالله خلخالی که شخصیتی موقر، متدین و بسیار تأثیرگذار در تثبیت مرجعیت‌ها بودند، اگر نگوئیم بخش اعظم، دست کم بخش عظیمی از شیعیان کشورهای مختلف و طلاب افغانی، پاکستانی، کشمیری، هندی، تبتی، لبنانی و همه کسانی که در نجف با شخصیت امام آشنا شده بودند، مقلد و مروج ایشان شدند. از جمله پاکستان که در آنجا مرحوم شیخ‌الشریعه اصفهانی که از دوستان قدیم و بسیار صمیمی حضرت امام بودند، در این امر نقش مؤثری داشتند و طبعاً شخصیت‌هایی چون مرحوم شهید عارف حسینی که از نجف به امام ارادت پیدا کرده بودند و حتی اگر در نجف هم نمی‌بودند، تحت تأثیر تفکر انقلابی حضرت امام قرار می‌گرفتند، مرجعیت حضرت امام را در پاکستان گسترش دادند.

علاوه بر مسئله تقلید، پاکستانی‌ها در امور سیاسی و اجتماعی هم به حضرت امام اعتقاد عمیقی پیدا کردند که جلوه‌های آن پس از پیروزی انقلاب، در تظاهرات روز قدس و در سفری که مقام معظم رهبری به پاکستان داشتند، پدیدار شد. شاید

بعد از شهادت ایشان شاهد بودیم که حضرت امام پیامی را دادند که از پیام‌های کم‌نظیر ایشان در مورد شهادت بین‌الملل و جهان اسلام بود و گام زدن در راه حق، محدود به مرزهای جغرافیایی و دست‌ساز بشر نیست. به هر حال اظهار علاقه‌ای که حضرت امام نسبت به ایشان کردند، باز مبین عظمت شخصیت مرحوم شهید عارف حسینی بود. مردم پاکستان معمولاً از علمای نجف تقلید می‌کردند. مرحوم شهید عارف حسینی مروج مرجعیت امام در پاکستان بودند که آثار مبارکی را هم به باور آورد. پیشینه آشنائی ایشان با امام از چه زمان بود و با توجه به اینکه شما در دفتر امام بودید، عمق علاقه مردم پاکستان به امام و رغبت به تقلید از ایشان چقدر بود و شهید در گسترش و تقویت این مسئله چقدر نقش داشتند؟

مسئله مرجعیت به همین شکل بود که اشاره کردید، یعنی به صورت سنتی، جز ایران که مخصوصاً از زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی تمرکزش روی مرجعیت قم بود، جهان تشیع بیشتر روی نجف اشرف تمرکز داشت. با مهاجرت یا تبعید امام به نجف اشرف و حضور ایشان در آنجا و بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله حکیم، دشمن توطئه‌ای را در پیش گرفته